

اندیشه‌های مقام معظم رهبری؛ نقشه راه تحقق تمدن نوین اسلامی

طیبه برخوردار*

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۵

یاسر سالاری**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۲۹

چکیده

اساساً هدف از شناخت اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، ایجاد نظام فکری هم‌سو با اندیشه‌های ولیّ جامعه در مسیر شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌باشد. در نوشتار حاضر که با گردآوری کتابخانه‌ای اطلاعات و به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته، بحث ضرورت پرداختن به اندیشه‌های مقام معظم رهبری، در دو محور چرایی توجه به بیانات و نیز اهمیت استخراج مبانی قرآنی و روایی آن‌ها، تشریح شده است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش مؤید آن است که پرداختن به بیانات معظم له، هم به لحاظ ویژگی‌های ممتاز شخصیت، سبک زندگی و سیره عملی ایشان که جلوه‌ای از تحقق حیات طیبه قرآنی است و هم به لحاظ نتایج، آثار و برکات فردی و اجتماعی مترتب بر این مهم، امری بسیار لازم و ضروری به شمار می‌آید و می‌تواند نقشه راه را برای دستیابی به آرمان بزرگ انقلاب یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج الله تعالی فرجه) نشان دهد. همچنین استخراج مبانی قرآنی و روایی بیانات، با نمایش پشتوانه عظیم وحیانی آن‌ها، نقش بسزایی در اثبات اصالت اندیشه، ماندگاری و نفوذ آن، تعمیق رابطه معنوی بین امام و امت و گسترش التزام عملی مخاطبان به منویات ایشان خواهد داشت.

کلیدواژگان: امام خامنه‌ای (دام ظلّه)، مبانی قرآنی، مبانی روایی، حکومت اسلامی.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران.

yaser581@yahoo.com

** استادیار گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران.

نویسنده مسئول: یاسر سالاری

مقدمه

پیگیری و فهم بیانات ولیّ معظم فقیه، چه در مقام اتباع و مطاوعه از منویات ایشان و چه در مقام مقایسه و شکاف‌سنجی وضع موجود با وضع مطلوب مطمح نظر معظم له، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه «ما ولایت فقیه را "حدّ مقدور تاریخی عترت در عصر غیبت" دانسته و تمسک به امام و رهبری را بدیلِ عصری "تمسک به ثقلین" و آموزه‌های امام و رهبری را در مقام تمثیل "ثقلین انقلاب اسلامی" می‌دانیم و بر همین مبنا هیچ راهی جز تمسک به این دو ثقل، گمراه نشدن ما را تضمین نمی‌کند. توشه ما در راه رسیدن به آرمان‌های انقلاب، تعلیم/امام خمینی(قدس سره) و رهنمودهای/امام خامنه‌ای(مد ظله) - این ثقلین نهضت اسلامی - است که هر دو یادگار، برگرفته و تحقق بخشنده ثقلین پیامبر اکرم(ص) می‌باشند»(ثقفی، ۱۳۹۲: ۶۸). بدین جهت نویسندگان بسیاری، موضوعات مختلفی را از منظر و یا در اندیشه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری، بررسی نموده و برخی، مبانی قرآنی-روایی بیانات معظم له را مورد مذاقه قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، گوهری مقدم، ابوذری، کیانی مجاهد، حامد(۱۳۹۹) به بررسی موضوع «الگوی مفهومی نفوذ از دیدگاه امام خامنه‌ای» پرداخته‌اند. نیز اعرابی، غلامحسین (۱۳۹۹) «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری» را مورد پژوهش قرار داده و رضی بهابادی، بی بی سادات، بهادری، آتنا؛ پورکاویان، زینب(۱۳۹۹) به تبیین «مبانی قرآنی عوامل معنوی اقتدار ملی از منظر مقام معظم رهبری» همت گمارده‌اند. اما تتبع نگارندگان مؤید آن است که تحقیق جامع و کاملی به شکل مستقل در باب موضوع پژوهش حاضر انجام نگرفته یا حداقل مشاهده نگردیده است. لذا اهتمام پژوهش حاضر بر آن است تا در محور نخست، ادله‌ای مبنی بر ضرورت مطالعه و فهم بیانات رهبر معظم انقلاب ارائه نموده و در محور دوم، به بررسی اهمیت استخراج مبانی قرآنی و روایی آن‌ها بپردازد.

بررسی چرایی پرداختن به اندیشه‌های مقام معظم رهبری(دام ظلّه العالی)

پیش از پرداختن به هر مسأله و موضوعی باید به ضرورت، اهمیت و بایستگی آن ادعان و باور داشت تا با انگیزه قوی‌تر و شوق و توانی بیش‌تر وارد آن شد. در زمینه

اندیشه‌پژوهی رهبر معظم انقلاب نیز نخستین قدم، تشنگی و درک ضرورت و اضطرار این مسأله است. لذا مؤمن انقلابی پیش از هر چیز باید در موقف درک این ضرورت بیندیشد و سپس دست به اقدام و عمل بزند. اگر این اضطرار درک شود که عبور از چالش‌های پیش رو و عمل به وظایف در جهت نیل به آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون فهم نظام فکری رهبری امکانپذیر نیست و تفکر، تفهم و عملیاتی نمودن بیانات رهبر انقلاب، از جهات مختلفی برای تحقق تمدن نوین اسلامی لازم و ضروری است؛ آنگاه برای مطالعه در زمینه چپستی، چرایی و چگونگی درک ساختار اندیشه معظم له، برنامه‌ای مشخص را پیگیری خواهد کرد. لذا آنچه به عنوان گام اول باید بر آن تأکید کرد، شخصیت‌شناسی ایشان است که بدانیم اندیشه‌های چه کسی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و گام دوم، اهتمام به مطالعه مستمر و دقیق بیانات، تعمق، تتبع و فهم آنهاست، از آنجا که فکر و اندیشه انسان در رفتار، گفتار و آثار علمی او، ظهور و بروز پیدا کرده و متجلی می‌شود؛ بنابراین مهم‌ترین مجرای درک نظام فکری رهبر انقلاب، بیانات ایشان است و کلام معظم له نیز مؤید این مطلب است که فرمودند: آنچه که من در سخنرانی‌ها بیان می‌کنم، لب نظرات من است. اساسی‌ترین نظرات من همان‌هایی است که در سخنرانی‌ها از من می‌شنوید... و نظراتی است شفاف و روشن که در خطبه‌های نماز جمعه و در سخنرانی با گروه‌های مختلف، این‌ها را می‌شنوید (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۵۴).

ویژگی‌های ممتاز شخصیت و سبک زندگی مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)

برخی از ویژگی‌های برجسته شخصیت، سبک زندگی و سیره عملی رهبر معظم انقلاب عبارت‌اند از:

۱. بهره‌مندی معظم له از ساختار اندیشه منسجم، منضبط و نظام‌مند (منظومه فکری) مجموعه معارف اسلامی، نظام‌مند و مرتبط با یکدیگر است. بنابراین یک متفکر اصیل و پای‌بند به معرفت معتبر دینی، با تفکر عمیق و دستیابی به منطق نگرش دینی می‌تواند به یک نظام اندیشه‌ای برسد. اساساً یکی از آسیب‌های علمی این است که شخص عالمی، هندسه و نظام فکری و معرفتی نداشته و تنها دارای مجموعه‌ای از اندیشه‌های پراکنده

در حوزه‌های مختلف باشد. مقام معظم رهبری هرچند به اقتضای مخاطبان خود و در حوزه‌های گوناگون، موضوعات مختلفی را مورد تبیین و تحلیل قرار داده‌اند؛ اما نکته مهم و قابل توجه، انسجام و انضباط عجیب در اندیشه ایشان است؛ به گونه‌ای که نه تنها کم‌ترین تناقض و تنافر بین عناصر گوناگون مورد بحث ایشان دیده نمی‌شود (سیاهپوش، ۱۳۹۶: ۶)؛ بلکه یک پیوند عمیق، همگون، روان و اثرگذار میان تمام نظرات ایشان از ابتدا تا کنون برقرار است که در عین انعطاف، هیچ گونه تضاد و تعارضی در مبانی و اصول با اهداف، خط مشی‌ها و رویکردها وجود ندارد و آنچه درک می‌شود، تکامل است نه تعارض، به طوری که با کنار هم قرار دادن مجموعه بیانات ایشان، به یک اندیشه نظام‌مند و هندسه وار دست می‌یابیم که شامل اجزاء و اهداف خاصی می‌باشد.

این انسجام فکری ناشی از مبانی و اصول مستحکمی است که مستند و مستدل، تبیین و تصویر شده و تمام موضوعات بر پایه همین اصول، مطرح و تحلیل شده است. به عبارت دیگر مروری بر بیانات نشان می‌دهد که ایشان در طول سالیان متمادی از الگوی علمی و عملی مشخصی استفاده نموده‌اند که البته این الگوی ثابت در اصل دارای انعطاف و مبتنی بر اقتضائات خاصی است که منبعت از مکانیسم اجتهاد، اختیارات قانونی و بهره‌گیری از عنصر ولایت است (پیغامی، سجادیه، ۱۳۹۳: ۱۰). بنابراین فهم کامل نوع نگاه رهبری به مسائل، منوط به توجه و تدقیق در منظومه فکری ایشان است که در رابطه با چیستی آن به طور خلاصه می‌توان گفت: منظومه فکری رهبر انقلاب، مجموعه‌ای منسجم و نظام‌مند از اندیشه‌هاست که هدفمند و در جهت پاسخگویی به نیازهای مشخص، با محوریت هسته مرکزی با یکدیگر مرتبط شده‌اند و مطالعه و فهم آن، قدرت تشخیص موضوعات و مسائل اصلی و اساسی کشور را در اختیار گذاشته، راهبردها و برنامه‌هایی مشخص برای اداره فرد، جامعه و حکومت در جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی و دستیابی به اهداف و آرمان‌ها را نیز در بر دارد.

این منظومه فکری، با محوریت توحید و با رویکرد تمدنی شکل گرفته است که موجب تولید یک نقشه راه دقیق برای انقلاب اسلامی در تمام عرصه‌ها و شئون یک حکومت شده است. تمدن اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبر انقلاب است و همین نگرش تمدنی باعث شده است که به صورت یک شخصیت علمی و فکری با جایگاه

اجتهاد دینی و تفکر روشنفکرانه به معنای صحیح آن، ظاهر شوند و علاوه بر فعالیت گسترده علمی در حوزه‌های مختلف معرفتی، بتوانند فعالیت گسترده سیاسی و جهادی نیز داشته باشند (خاک رنگین، ۱۳۹۶: ۱۶). روح اصلی حاکم بر منظومه فکری رهبر معظم، توحید است؛ توحیدی که در عرصه علم کلام، حبس نشده؛ بلکه در نظامات مدیریتی، سیاسی، علمی، فرهنگی و حتی عرصه‌های اخلاقی و اجتماعی نیز سریان و جریان دارد و تا مرحله تمدن سازی اسلامی که غایت این منظومه فکری است، ورود پیدا می‌کند. با این نگرش، توحید تنها یک عقیده نیست که در ذهن یا دل جای گرفته باشد؛ بلکه عقیده‌ای است که در بینش، منش و کنش انسان مسلمان نیز حضور دارد (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۷). خصوصیت دیگر، زنده، پویا و عملیاتی بودن این منظومه فکری است که بر خلاف برخی از اندیشه‌پردازی‌های روشنفکرانه که علی‌رغم ظاهری زیبا، در میدان عمل کارآیی ندارند؛ قابل تحقق در میدان عمل است.

۲. سخنوری و نظریه‌پردازی: کارویژه رهبری، برانگیختن مردم برای حرکت نظام به سوی هدف‌های عالی جامعه اسلامی و مراقبت از عدم انحراف اساسی در این مسیر است و سخنوری، ابزاری تعیین کننده و مهارتی ضروری در این میان به شمار می‌رود. چهل روز بعد از شهادت شهید مطهری، امام خمینی، ایشان را به عنوان فردی فهیم، صالح و سخنور که می‌تواند خلأ حضور مغز متفکر انقلاب را در دانشگاه پر کند، به دانشجویان معرفی کردند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۱۴۵-۱۳۴) و این ویژگی در مقاطعی که به اوج خود رسیده، توانسته در آگاهی بخشی و انگیزش مردم در ارتباط با موضوعات خاص، تعیین کننده سرنوشت کشور باشد (غفاری، ۱۳۹۵: ۳۲).

همچنین ایشان، صاحب‌نظری خبره در بسیاری از حوزه‌های علمی و تخصصی هستند؛ به گونه‌ای که مجموعه نظریه‌هایی که در نیم قرن اخیر مطرح کرده‌اند، یک منظومه فکری را تشکیل می‌دهد؛ نظریه‌هایی با مجموعه‌ای از مبانی معرفت شناختی، حکمی، انسان شناختی و دینی که برخی از آن‌ها نظریه‌هایی در سطح جهانی هستند و فهم و استخراج آن‌ها، بر ترسیم راهبردها و جهت‌گیری‌های خرد و کلان نظام‌سازی اسلامی و تبیین الزامات مورد نیاز تحقق تمدن اسلامی، تأثیر بنیادی و کاربردی دارد (رشاد، ۱۳۹۶: ۲).

۳.جامعیت: شخصیت ایشان، یک شخصیت ذوابعاد و جامع الاطراف است که علاوه بر جهاد عملی در عرصه‌های گوناگون، در بخش اندیشه‌ای نیز دارای منظومه فکری تمدن‌ساز است. وسعت نگاه ایشان و تفکر جامع نسبت به مسائل، از جلوه‌های بی‌نظیر تفکر شیعی در دنیای پرتلاطم امروز است. مردی به لحاظ جامعیت بی‌نظیر و دست‌کم، کم‌نظیر، به جهات مختلف سرآمد، شخصیتی منشورواره که ابعاد و اضلاع گوناگون، متفاوت و بلکه مختلف و متضاد را در خود جمع کرده است. ایشان به لحاظ فکری، به معنی الکنمه شخصیتی روشنفکر، نواندیش، نظریه‌پرداز، پیش‌آهنگ و پیشتاز هستند. دست ایشان به لحاظ جامعیت در مباحث و علوم، پر است. فقیه‌ی جامع و فخیم و اعلم که در موضوع شناسی و اجودیت در فهم که از شروط اساسی اجتهاد و اعلمیت است؛ قابل مقایسه با احدی از فقهای معاصر نیستند و به مفهوم دقیق اعلمیت، اعلم فقهای روزگارند. اما مثل حضرت امام خمینی(ره)، در منظر بودن وجهه سیاسی شخصیت ایشان مانع شناخته شدن و تظاهر وجه فقهی و اصولی، حیث عرفانی و جهات مدیریتی و شخصیت منشورواره ایشان شده است(رشاد، ۱۳۹۶: ۲). شخصیتی که قریب سه دهه از عمر خود را علاوه بر علم آموزی، در کوران مبارزه با رژیم شاهنشاهی گذرانده و سپس چهار دهه را در بالاترین سطح مدیریت کلان و راهبری نظام اسلامی سپری کرده است. این سابقه طولانی مبارزاتی و مدیریتی در رأس یک نظام حکومتی- آن‌هم با مختصات دولت‌های مدرن و پیچیدگی‌های عصر کنونی- برای هیچ کدام از فقهای شیعه فراهم نشده است. حضور نیم قرن در رأس نظام سیاسی جمهوری اسلامی، ایشان را در معرض دقیق‌ترین و متنوع‌ترین اطلاعات و گزارشات در زمینه‌های مختلف قرار داده است. علاوه بر آن، ویژگی شخصی ایشان، عادت به ارتباطات گسترده با نخبگان هر حوزه و مشاوره گرفتن از بهترین کارشناسان هر موضوع است. مروری بر بیانات با اқشار مختلف جامعه، نمایانگر پشتوانه علمی و کارشناسی اندیشه ایشان در حوزه‌های تخصصی است. اگر این اشراف بر موضوعات گوناگون اجتماعی روز، هم‌زمان با قوه علمی این "فقیه متفکر مفسر رجالی تاریخدان" و در یک کلمه "اسلام شناس جامع الاطراف و زعیم ذوفنون" در نظر گرفته شود؛ ادعای منحصر به فرد بودن و جامعیت ایشان بهتر فهم می‌شود(سالاری، ۱۳۹۶: ۱۳).

۴. شخصیت قرآنی: شخصیت فکری رهبر معظم را پیش از هر چیز باید تحت تأثیر قرآن دانست، چیره‌دستی ایشان در ارائه یک طرح فکری منسجم از اسلام در قالب سلسله بحث‌های "طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن"، گویای محوریت و جایگاه ویژه قرآن در اندیشه معظم له است.

مروری بر بیانات ایشان در دیدار با جامعه قرآنی نشان می‌دهد که معظم له بر اهمیت و لزوم توجه به قرآن در جامعه و اینکه مسئولین نظام باید اهداف، خصوصیات و عملکردشان بر اساس دین و عمل به قرآن باشد، تأکید داشته و معتقدند که مکاتب اجتماعی دنیا پاسخگوی نیازهای انسان‌ها نبوده و قرآن کریم راه صحیح را نشان می‌دهد و علاج دردها و ضعف‌های دنیای اسلام در آیات قرآن است. وجود چنین دیدگاهی نسبت به قرآن کریم سبب شده است که ایشان در بسیاری از بیانات خود - صریحاً یا تلویحاً - به آیات قرآن استناد کرده و نشان دهند که نقشه راه برای پیشرفت انقلاب، برگرفته از آیات و روایات است و در تمام مباحث منظومه فکری نیز می‌توان بعد قرآنی شخصیت ایشان را درک نموده، تطبیق اندیشه ایشان با قرآن را دریافت (معاونت فرهنگی - اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۷: ۴۸-۴۶). دقت در نوع بیان و زاویه نگاه رهبر انقلاب به آیات قرآن حاکی از آن است که ایشان با تبیین و تحلیل وجوه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی آیات قرآن برای عموم مسلمین آن‌هم به صورت روان و به‌روز، سعی وافر دارند تا امتداد گمگشته ابعاد مختلف آموزه‌های وحی را در پیکره امت اسلام، احیاء و اقامه نموده و شاخص حرکت امت اسلام را بر اساس اصول و موازین قرآنی مشخص نمایند تا بدین طریق شاهد حضور تعالیم قرآن کریم در عرصه‌های مختلف و در متن جامعه اسلامی بوده و ضمن رفع مهجوریت از این کتاب عزیز، سعادت دنیوی و اخروی مسلمین تضمین، زمینه و زمانه لازم برای ظهور حضرت حجت (عج) فراهم گردد. بنابراین نوع نگاه حاکم در فضای جامعه اسلامی نسبت به ایشان، نباید صرفاً نگاه سیاسی باشد، بلکه باید ولیّ فقیه را ولیّ عرفان، اخلاق، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع دانست و مرجعیت، مقبولیت و مشروعیت ایشان را علاوه بر حوزه سیاست، در سایر عرصه‌ها به ویژه به عنوان "مرجع تفسیر روز قرآن در دوران معاصر" باور داشت.

۵. سلوک ذیل شخصیت /امام خمینی(ره) و قرابت فکری رهبران انقلاب: اگر این موضوع به درستی تبیین شود که هر حقیقت اشراقی، همیشه در ابتدای امر به صورت جامع و اجمال ظهور و تجلی می‌کند، جایگاه امامت بعد از نبوت نیز روشن می‌شود. به این معنی که آیات قرآن به صورت اجمال توسط پیامبر ابلاغ شدند و روایات ائمه(ع)، تفصیل آیات قرآن است که اگر وحی به صورت اجمال نبود؛ جامعیت خاص یک سوره شکل نمی‌گرفت و ارتباط آیات در یک سوره، به واسطه تفصیل از بین می‌رفت. /امام خمینی(ره) نیز در عصر حاضر، شخصیتی است که خداوند قلب او را مستعد اشراق حقایق دانسته و آن اشراق در مقام خود به صورت اجمال است تا به عنوان یک حقیقت جامع در تاریخ اندیشه بماند و به تدریج کسانی که متوجه آن حقیقت اشراقی شده و در ذیل آن قرار گرفتند، برای استفاده از آن، به تفصیلش بپردازند. مقام معظم رهبری با درک توحید اجمالی شخصیت امام توانسته‌اند در رویدادهایی که پیش می‌آید، بر آن مبنا و با مدیریت خود، آن اجمال را به تفصیل درآورده و از این طریق تفاهم و وحدت ایجاد کنند. رجوع مدام ایشان به سیره و گفتار امام(ره) نیز مؤید آن است که ایشان، اندیشه و سیره امام را جزء مبادی تفکر خود قرار داده و به تفصیل آن مبادرت می‌ورزند. به عبارتی هنر ایشان و دلیل موفقیتشان آن است که توانستند جایگاه اشراقی امام را شناخته و آن را به تفصیل درآورند(ر.ک: طاهرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۰). به همین جهت چارچوب فکری و نظام اندیشه‌ای ایشان، شباهت‌ها و تطابق‌های غیر قابل انکاری با نظام فکری /امام خمینی(ره) دارد و مبانی نظام فکری ایشان با محوریت کلان نظریه "اسلام ناب محمدی" و برآمده از مکتب فکری و سیاسی /امام خمینی(ره) است و به عنوان ادامه دهنده راه امام، متأثر از مقتضیات زمان و مکان و مسائل مستحدثه و با حفظ خطوط کلی به تفصیل این اندیشه‌ها پرداخته‌اند. به گونه‌ای که همگان امتداد امام(ره) را در وجود ایشان به وضوح یافتند و ایشان در اصول و فروع و در تفکر و عمل، کاملاً منطبق با امام(ره) هستند؛ مگر در موارد جدید که ایشان با بهره‌گیری از دستگاه روش‌شناسی اجتهاد- که از جمله نقاط برجسته منظومه فکری ایشان است که در تصمیمات سیاسی و اجتماعی ایشان خودنمایی می‌کند- در حوزه فکر و عمل مجتهدانه تصمیم‌گیری کرده، اقدام می‌کنند.

علاوه بر موارد مذکور، از دیگر ویژگی‌های شخصیت و سبک زندگی رهبر معظم انقلاب می‌توان به تعلیم و تربیت طلاب و جوانان علاقه‌مند به معارف اسلامی و نیروی انسانی مؤمن و انقلابی بر اساس آموزه‌های قرآن، الگوپذیری مناسب جهت رشد علمی، تربیتی و جهادی، ارتباط با شخصیت‌های روشنفکر ادبی و فکری ایران معاصر، تاریخ‌شناسی جهان اسلام و ایران معاصر همراه با فهم تاریخی و درک تحلیلی با رویکرد جریان‌شناسانه، توجه داشتن به نیازهای کشور به ویژه نیازهای جهان اسلام با مطرح کردن بحث‌هایی همچون آزاداندیشی، تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی و تمدن نوین اسلامی، تحقق انقلابی‌گری در عمل ضمن حفظ مرزبندی‌های ارزشی و فضایل و کمالات اخلاقی و عملی اشاره نمود.

ضرورت اتفاق و اتحاد حول محور رهبری

در هر جامعه آنچه می‌تواند سبب پیشرفت و غلبه بر مشکلات و رهیدن از پرتگاه‌ها شود، همانا وحدت و یکپارچگی مردم است. اگر در یک جامعه تمام نخبگان دارای وحدت فکری و اعتقادی باشند، آنگاه مردم نیز به وحدت می‌رسند و این وحدت اعتقادی به وحدت عملی منتهی شده و جامعه در مسیری سالم و متعادل و بدون تشتت و نزاع به سوی رشد و تعالی حرکت می‌کند. بنابراین یافتن یک وحدت فکری که امروز از آن به "ادبیات مشترک" تعبیر می‌کنند، یک نیاز حتمی برای جامعه اسلامی است. خودمحوری در فهم و کم توجهی به رأی و قول مطاع در جامعه که بی شک از آن امام و ولیّ جامعه است، اساساً در ذات خود یک پدیده سیاسی نیست، بلکه ناشی از یک حالت روحی و خصلتی اخلاقی است. /امام علی(ع) گویا درباره این زمانه و آدم‌های آن می‌فرماید: «این‌ها در موارد مبهم به جای رجوع به امام جامعه به رأی و نظر خود تکیه می‌کنند، گویا هر کس امام خود شده است» (نهج البلاغه، خطبه ۸۸). لذا با عنایت به فرمایش نبی اکرم(ص) که فرمودند: «از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید؛ زیرا اطاعت از رهبری مایه وحدت امت اسلام است» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴)، بهترین محور علمی و عملی برای ایجاد اتفاق و اتحاد در جامعه، اندیشه‌های ولیّ فقیه جامعه می‌باشد؛ چراکه هر کسی صرفاً با اطلاعات کارشناسی در سیاست و اقتصاد و فرهنگ به ضمیمه خرده سواد دینی نمی‌تواند محور اتحاد جامعه باشد. از سوی دیگر هر مجتهدی نمی‌تواند در

عرصه مسائل جاری حکومت راه بلد کاروان جامعه شود (ر.ک: ثقفی، ۱۳۹۲: ۷۰-۱۰). امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد؛ بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه و افراد صالح را از ناصالح را تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد؛ این فرد در مسایل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۸۰-۱۷۶). از مصادیق این اتحاد، وجود یک تفاهم نخبگانی در تشکلهای انقلابی است که با رجوع به یک اندیشه اصیل و کارآمد که برای همه قابل استفاده و قابل فهم باشد، میسر خواهد شد و آن اندیشه ولایت است؛ زیرا مؤثرترین وسیله و بهترین قالبی است که یک تشکل انقلابی می‌تواند برای ایجاد الگوی کار تشکیلاتی به آن دست پیدا کند؛ به این دلیل که اصالت و کارآمدی خود را ثابت کرده است. در نتیجه انس با اندیشه‌های ولیّ جامعه، به تدریج قالب ذهنی، نوع نگاه و جهت‌گیری افراد، شبیه به هم شده و اختلاف‌ها از بین می‌رود. بدیهی است که ایجاد بزرگ‌ترین تشکل انقلابی و کارآمد جهت خدمت به مردم و هدایت افکار عمومی به سمت ایجاد تمدن اسلامی، تنها بر محور ولیّ جامعه امکانپذیر است.

شأن هدایت‌گری و ضرورت دستیابی به حجیت در امور

بر اساس مبانی اسلامی و شیعی، ولیّ فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، علاوه بر جایگاه فقهی و سیاسی، وظیفه هدایت امت اسلامی به سمت سعادت دنیوی و اخروی را نیز بر عهده دارد. انسان مسلمان همانگونه که در حوزه مسائل فقهی و فردی، برای اقامه حجت در پیشگاه حق، از مجتهد جامع الشرایط، تقلید می‌کند؛ در حوزه تکالیف اجتماعی نیز برای حجیت اعمال خود و رشد فردی و اجتماعی، باید نظام اولویت‌های خود را از ولیّ جامعه بگیرد؛ به ویژه در دوره زمامداری حاکم اسلامی که وظایف مهم‌تری نسبت به دوره حاکمیت غیر اسلامی بر عهده آحاد مردم قرار دارد. بنابراین شخص ولایتمدار، در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود نباید بی‌اعتنا به نظرات و منویات ولیّ خود عمل کرده و بر اساس تشخیص و اجتهاد و سلایق خود اقدام کند؛ زیرا بر اساس

روایت /امام باقر(ع): «اگر شخصی تمام شب‌هایش به عبادت و روزها به روزه گرفتن بگذرد و تمام ثروتش را در راه خدا انفاق نماید و هر سال تا آخر عمر به حج برود، ولی آشنا به ولایت ولیّ خدا نباشد که او را دوست بدارد و همه اعمالش را به راهنمایی آن امام انجام دهد، نزد خداوند پاداشی برای اعمالش ندارد و از اهل ایمان شمرده نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۹). اساساً انسان انقلابی، در مسیر زندگی اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی خود، نیازمند یک معیار و میزانی است تا بتواند درصد خطاهای خود را به حداقل ممکن کاهش دهد. طبق این اصل، همواره باید برای تحقق منویات ولیّ فقیه، تلاش کند(غرسبان روزبهانی، ۱۳۹۶: ۵۰). از طرف دیگر، شناخت حساسیت‌های نظام درک اولویت‌ها و اقدام به موقع و درست در جهت مطالبات امام امت و در مسیر تحقق آرمان‌های نظام اسلامی، امری خطیر و مهم است که بدون شناخت اندیشه و درک نظام فکری رهبری، به شکل مطلوب و حداکثری ممکن نخواهد بود؛ چراکه ایشان با نگاه کلان به مسائل نظام، نقاط ضعف و اولویت‌ها را به خوبی تشخیص می‌دهند و بیانات ایشان ناظر به نیازها و معضلات کشور و با هدف جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی ایراد شده است. لذا پذیرفتن مرجعیت فکری ولیّ جامعه و شناخت و انجام صحیح وظایف در هر برهه‌ای از زمان بر اساس اندیشه‌های رهبر انقلاب، علاوه بر آثار و برکات دنیوی موجب دستیابی به حجیت در امور نزد خدای متعال خواهد شد.

قرار گرفتن در جایگاه ولایت فقیه و زعامت امت اسلامی

در فرهنگ قرآنی و آموزه‌های دینی، ولایت و حاکمیت با تمام گستره مفهومی آن ذاتاً متعلق به خداوند متعال است که در عالم ملک و نشئه ظاهری خلقت، در حقیقت وجود انبیاء، پیامبر(ص) و ائمه معصوم(ع) تجلی یافته، در حکومت و زمامداری آن‌ها نمود می‌یابد. ولایت در زمان غیبت امام معصوم(ع) با نایبان عام آن حضرت است که از سوی حجت الهی، حجت بر خلق هستند، چنانکه امام زمان(عج) فرمودند: «و اما در حوادث زمانه، (برای دانستن حکم الهی) به راویان حدیث ما مراجعه کنید که آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خداوند بر آن‌ها می‌باشم» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۱). منظور از "حوادث واقعه" تمام وقایعی است که شیعیان در عرصه‌های مختلف سیاسی،

اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی و... با آن مواجه می‌شوند و مراد از "راویان حدیث" فقهای ربانی واجد شرایط هستند که چون از جانب امام(عج)، حجت بر مردم هستند، نمایان عام امام زمان(عج) نامیده می‌شوند(حیدری کاشانی، ۱۳۹۰: ۱۶۷) و از آنجا که طبق براهین عقلی و نقلی و عقلایی، ضرورت وجود زعیم برای جامعه اسلامی، امری بدیهی و لازم است؛ لذا در عصر غیبت از میان نواب عام، فقیه واجد شرایط حاکم اسلامی، به عنوان ولیّ فقیه در رأس حکومت اسلامی، سکان هدایت و رهبری جامعه اسلامی را برعهده می‌گیرد. از این رو/امام خمینی(ره) معتقد است ولایت به معنی حکومت، شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول اکرم(ص) است که با تمام اختیارات آن بر عهده ولی فقیه قرار می‌گیرد، پس ولایت فقیه، استمرار ولایت رسول الله(ص) و ولایتش شرعی و الهی است و مشروعیت نظام اسلامی رهین فرمانروایی ولایت فقیه بوده و فرامین وی برای امت اسلامی لازم الاتباع است(قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۹). «در حکومتی که بر اساس ولایت است، فقیه جامع الشرائط، نائب امام عصر(عج) و عهده دار همه شئون اجتماعی آن حضرت می‌باشد»(جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۱۱) و شرعاً بر امت اسلام واجب است سخن و حکم او را که از نوع احکام و مصالح عامه می‌باشد، در جایگاه اوامر پیامبر اکرم(ص) در زمان حکومت صدر اسلام و اوامر امام زمان(عج) در عصر غیبت دانسته و اطاعت فکری و عملی نسبت به آن داشته باشند و «اقوال و افعال او حجت بر مسلمین است و اگر کسی تخلف کرد، در روز قیامت بر او احتجاج خواهد شد»(امام خمینی، ۱۳۷۹: ۸۱) و این همان معنایی است که/امام خمینی(ره) از آن به "ولایت مطلقه فقیه" تعبیر کرده و فرمودند: «ولایت فقیه همان ولایت رسول الله(ص) است»(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۰۸). اساساً مؤمن انقلابی، با توجه به نصب ولیّ فقیه جامع الشرائط از جانب خداوند در عصر غیبت، همواره پاسدار و حافظ اصل ولایت فقیه و مدافع ولی فقیه بوده، در تبعیت از او تلاش می‌کند، زیرا به عقیده امام راحل(ره)، اگر پشتیبان ولایت فقیه باشید، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۵۸). جز این نیست که در زمان غیبت امام معصوم باید به کسی رجوع کرد که متخصص فهم روایات امامان معصوم باشد و در امر اداره جامعه مبتنی بر سیره معصومین(ع) عمل کند و باید به او اعتماد کرد. گرچه ولیّ فقیه معصوم نیست؛ ولی نسبت به سایر مردم قلیل

الخطا می باشد؛ همانطور که جهت درمان بیماری به متخصص رجوع می‌کنیم، بدون آنکه معتقد باشیم او در تخصص خود معصوم است. خداوند بر قلب زعیم زمانه، هدایت‌هایی را اعمال می‌کند که در پرتوی آن هدایت‌ها جامعه به سعادت می‌رسد؛ کما اینکه تجربیات سی ساله اخیر این امر را ثابت کرده است. در همین رابطه از امام رضا(ع) روایت شده است که: «اگر خداوند بنده‌ای از بندگان را جهت امور مردم انتخاب کرد، سینه او را گشاده می‌گرداند تا در مدیریت خود، کوچک‌ترین لغزشی نداشته باشد و امور بندگان را با وسعت نظر سر و سامان دهد؛ در نتیجه آن چنان توانا می‌شود که در پاسخگویی به هیچ نیازی در نمی‌ماند و غیر از صواب از او نخواهی یافت و به خوبی مصلحت مردم را در نظر می‌گیرد. پس او در کار خود، موفق و محکم و مورد تأیید الهی است» (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۱). لذا قرار گرفتن در جایگاه رفیع ولایت امت اسلام، ضرورت رجوع به اندیشه‌های ایشان را تأیید نموده و اهمیت پرداختن به بیانات معظم له را به عنوان تکلیف عقلی باز می‌نمایاند.

لزوم رجوع به بنیانی مرصوص

اندیشه‌ها و بیانات رهبر معظم انقلاب در زمانه ما به مثابه بنیانی مرصوص و منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است؛ نزدیک خواهد کرد. چراکه وی اسلام‌شناسی برآمده از مکتب اصیل تشیع علوی است که بیش از نیم قرن مبارزات فرهنگی و سیاسی با هدف حاکمیت دین و جامعه‌سازی اسلامی را در کارنامه دارد و همواره دو مقوله نظر و عمل را آمیخته به هم و ناظر به رسالت دینی و انقلابی خود دنبال کرده است. مبارزه و مجاهدت برای ایشان، همواره در دو بال "فکر و عقیده" و "اقدام و عمل" معنا داشته و تبلور یافته است. در حقیقت، منظومه فکری ایشان حاصل انباشت تلاش‌های علمی، فرهنگی و سیاسی در سالیان متمادی، از سویی و عنصر "تجربه" و نظام‌مند کردن تجربیات کلان زمامداری اسلامی از سویی دیگر است (کریمی، ۱۳۹۶: ۷). لذا شایسته است اندیشه‌های ایشان، محل رجوع اندیشمندان در حوزه‌های اجتماعی در سرتاسر جهان اسلام باشد؛ نظام

کارشناسی کشور بر مبنای آن شکل بگیرد و آهنگ کلی حرکت جامعه اسلامی به سمت تحقق بخشی به آرمان‌های متعالی انقلاب، مبتنی بر فهم ایشان از اسلام باشد.

ساختن جامعه ولایتمدار

در روایات وارد شده است که «لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ مَا نُوَدِّيَ بِالْوَلَايَةِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۸۸) یعنی در بین اصول و مبانی اسلامی، هیچ یک به اندازه ولایت، دارای اهمیت نبوده و به آن دعوت نشده است. ولایت یک جامعه به این است که اولاً ولیّ، در آن جامعه مشخص باشد. ثانیاً ولیّ جامعه، منشأ و الهام بخش همه نیروها و فعالیت‌های آن جامعه باشد. جامعه اسلامی به همان قدری دارای ولایت است که ولیّ جامعه، منشأ امر و نهی‌ها، الهام بخش همه نیروها و بستر مقررات و معرفت‌ها باشد. برای ولایتمدارشدن یک جامعه باید هر یک از احاد امت، ولایتمدار شوند و ولایت به معنای وابستگی فکری و عملی هر چه بیش‌تر و روزافزون‌تر انسان با ولیّ جامعه است؛ یعنی انسان دارای ولایت، باید ولیّ را بشناسد، فکر ولیّ را بداند و با او هم‌فکر شود، عمل ولیّ را شناخته و با او هم‌عمل شود (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۵۶۷-۵۶۵). ولایتمداری یعنی اینکه فرد و جامعه، تمام ابعاد زندگی خود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظام اجتماعی را در ذیل سلسله مراتب نظام ولایی، ولایت الله، ولایت انبیاء، ولایت ائمه اطهار (ع) و ولایت فقیه سامان دهد. اگر جامعه‌ای ولایتمدار شد، چنان مرده‌ای است که دارای جان شده و تمام استعدادهای انسانی را در جهت کمال و تعالی انسان رشد داده و بارور می‌کند. «پیوستگی مؤمنان با کانون ولایت یعنی امام و حاکم اسلامی، نیروی درونی امت اسلام را بسیج کرده و آن را از فرودست شدن در برابر دشمنان باز می‌دارد. بنابراین ولایت، محور اساسی فعالیت و نشاط عمومی جامعه اسلامی و الهام‌بخش حرکت انسان‌ها به سوی هدف آفرینش است» (غفاری، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۱). لذا جامعه ولایتمدار در پرتوی شناخت ولیّ، مسیر را با انگشت اشاره او معلوم نموده و به دلالت او حرکت می‌کند و تا هنگامه ظهور از انحرافات بیمه می‌شود و راه شناختن ولیّ جامعه و اندیشه‌های او، توجه و دقت در گفتار و رفتار اوست؛ چراکه کلام ولایت، طریق هدایت و تنها مسیر سعادت است. بنابراین جریان مؤمن انقلابی باید بتواند مطالبات و منویات ولیّ فقیه را فهم کرده

و آن را به گفتمان و باور عمومی در بین مردم تبدیل کند که به اعتقاد رهبر معظم انقلاب: «گفتمان یعنی یک مفهوم، همه گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه؛ گفتمان یعنی باور عمومی، یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند» (غفاری، ۱۳۹۵: ۱۹۲-۱۹۱) و ترویج گفتمان ولایت در سطح جامعه، سبب ارتقای سطح پای‌بندی مردم به ولیّ و اتحاد قلبی و فکری و عملی بین امام و امت می‌گردد.

اندیشه ولیّ: بهترین ابزار تشخیص اولویت‌ها و مسائل کشور

یکی از آسیب‌های کارهای فرهنگی این است که متولیان امور، به طور دقیق مسأله‌یابی نکرده و چشم‌انداز و نقشه صحیحی برای پیمودن مسیر خود ندارند. این امر باعث می‌شود تمام توان و انرژی خود را صرف فعالیت‌هایی کنند که نه تنها جزء امور مهمّ و اولی نبوده، بلکه حتی گاهی از امور مهم هم محسوب نمی‌شوند. بهترین راه حل این آسیب، اولویت‌سنجی صحیح و به موقع نسبت به فعالیت‌های فرهنگی، علمی و تبلیغی و جهت‌دهی آن‌ها مطابق با نظرات ولیّ جامعه است. آشنایی با اندیشه‌های ولیّ به عنوان اندیشه‌های راهبردی و چشم‌انداز صحیح و نقشه درست راه، اولویت‌ها و مسائل را نشان داده و آسیب‌ها را مرتفع و ضمن حفظ انقلاب و نظام اسلامی، راه رسیدن به تمدن بزرگ اسلامی را مشخص می‌نماید. حتی در امور پژوهشی نیز، بیانات رهبر انقلاب، بستری است برای استخراج مسائل کشور تا بر اساس آن‌ها، پژوهش‌های مسأله محور که خروجی آن‌ها تبیین نظام‌مند و کاربردی و همه جانبه تفکرات رهبر انقلاب به منظور حل مشکلات نظام باشد، انجام گیرد؛ چراکه مسائل مطرح‌شده از سوی ایشان، ضرورت‌های مهم جهان اسلام و بشریت است.

موضوع پژوهش باید در جهت رشد جامعه، خدمت به مردم و حل مشکلات آنان، ایجاد تسهیلات برای بهره‌گیری بیش‌تر از امکانات و امثال این‌ها باشد؛ وگرنه ضایع کردن عمر است. پژوهش‌گر باید بداند که در قبال ساعت‌های عمر خود و افرادی که پژوهش او را مطالعه می‌کنند، مسئول است و باید به نتیجه و خروجی تحقیقات خود توجه داشته باشد و مسیر تحقیقات خود را به سوی نیازها و ضرورت‌ها سوق دهد (قرائتی، ۱۳۹۱:

۴۴-۴۳). بنابراین رهبر معظم انقلاب، با مشخص کردن "مسأله‌ها" در ضمن صحبت‌های خود، خط‌دهنده و جهت‌دهنده به پژوهش‌های کشور هستند؛ پژوهش‌هایی که به فرموده معظم له: سمت و سوی پرداختن به نیازهای کشور را پیدا کند؛ یعنی حقیقتاً پژوهش‌هایی انجام دهیم که مورد نیاز ماست. ما نباید ملاک پیشرفت علمی خود را درج مقالات در مجلات آی.اس.آی قرار دهیم؛ خودمان مشخص کنیم درباره چه موضوعی مقاله بنویسیم و تحقیق کنیم؛ البته انعکاس در مجامع جهانی لازم است و انعکاس هم پیدا خواهد کرد؛ مقصود این است که پژوهش را تابع نیازهای خود قرار دهیم (مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۰: ۵۳۸-۵۳۷).

ضرورتی برخاسته از تحولات تاریخی

انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین تحول تاریخی در عصر حاضر، همانگونه که در مرحله مبارزه برای از بین بردن رژیم پهلوی، متکی به عنصر رهبری/امام خمینی(ره) بود؛ در مرحله شکل‌دهی به نظام اسلامی و عبور از صحنه‌های دشواری چون دفاع مقدس نیز متکی بر آن بوده است. اکنون و در شرایطی که تکمیل حرکت کلان انقلاب اسلامی و مبارزه با دشمنان زیاده‌خواه نظام، وارد مرحله حساس‌تر شکل‌دهی به "دولت اسلامی" و "جامعه‌سازی اسلامی" شده است، درک نظام فکری و مدیریت کلان ولیّ فقیه به عنوان رهبر این حرکت اهمیتی مضاعف می‌یابد. از حیث توجه به دستاورد و نتیجه نیز، فهم صحیح اندیشه رهبر انقلاب، ما را در دستیابی به موفقیت و پیروزی یاری می‌رساند؛ چراکه منظومه فکری/امام خامنه‌ای، حاصل مبانی متقن دینی، نشأت گرفته از ایمان اصیل اسلامی و متکی بر تجربیات روشن تاریخی است. امروز، اسلام و کفر در مصافی تاریخی رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و جنگ مدل‌ها و الگوهای حکومت‌داری و مدیریت کلان جوامع بشری به مراحل تعیین‌کننده رسیده است. بنابراین انقلاب اسلامی در مسیر تکاملی خود باید بتواند در حوزه‌های گوناگون، الگویی کارآمد را طراحی و عملیاتی کند و موفقیت در این نبرد تاریخی بدون رجوع به نظام فکری رهبر این حرکت عظیم، اساساً غیر ممکن و منتفی است (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۶: ۷).

عامل حفظ انقلاب و نظام اسلامی از تحریف

بی تردید صیانت از جمهوری اسلامی، اوجب واجبات است که /امام خمینی(ره) فرمود: «آحاد مردم یکی یکی شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، از نماز اهمیتش بیش تر است، برای اینکه این حفظ اسلام است»(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۴۷۸) و در عصر کنونی حفاظت از اسلام، وابستگی شدید به پاسداری از نظام اسلامی دارد و از طرفی اندیشه‌های رهبر انقلاب، نقشه راه و خط مشیی را ترسیم می‌نمایند که در صورت تحقق، اهداف انقلاب اسلامی تأمین گشته و زنجیره صیانت از نظام اسلامی و به تبع آن حفظ اسلام ناب محمدی تکمیل خواهد شد. لذا شناخت تفکرات و مطالبات امام امت همراه با عمل به آن‌ها، منجر به تقویت روحیه انقلابی و حرکت در مسیر ولایت و حفظ جمهوری اسلامی می‌شود؛ مطالعه شیوه تفکر ایشان به ما کمک خواهد کرد که صاحب طرز فکر ولایی و انقلابی شویم و ثمره چنین تفکری، انقلابی عمل کردن و در نتیجه صیانت از انقلاب و نظام است. اگر از اندیشه‌های راهبردی رهبر انقلاب در مقام عمل دور شویم؛ همان اتفاقی که بعد از انقلاب اسلامی پیامبر اکرم(ص) افتاد؛ برای انقلاب اسلامی ایران نیز خواهد افتاد. همانطور که پس از پیامبر(ص)، به علت عدم رجوع مردم به ولیّ جامعه، نظام اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شد؛ اکنون نیز بعد از احیاء حکومت اسلامی توسط /امام خمینی(ره)، عدم توجه و عمل به رهنمودها و منویات مقام معظم رهبری موجب منحرف شدن نظام اسلامی خواهد شد.

محوری‌ترین ابزار تحقق عدالت

بر اساس قرآن کریم، یکی از اهداف تمام انبیاء و ائمه(ع)، استقرار عدالت در ساحت‌های مختلف زندگی بشر است(ر.ک: حدید/۲۵) و محوری‌ترین رکن رسیدن به عدالت همه جانبه، وجود ولیّ در حکومت است. به عبارتی شأن و نقش ولیّ در حکومت اسلامی، استقرار عدالت می‌باشد و دستورات ولیّ، مهم‌ترین ابزار رسیدن به آن است. لذا توجه به اندیشه‌های رهبر انقلاب، مهم‌ترین وسیله تحقق هدف انقلاب‌های الهی یعنی عدالت است. زیرا سه عنصر عقلانیت، معنویت و عدالت که ایشان در تبیین مکتب /امام

حمینی(ره) بر آن تأکید دارند، اضلاع اصلی نظام فکری ایشان را تشکیل می‌دهد. بر این اساس ضرورت دارد ولیّ جامعه و اندیشه‌های او را بشناسیم؛ چراکه این شناخت، یک واجب مقدّمی برای نیل به هدف تمام انقلاب‌های الهی یعنی عدالت است.

اندیشه‌های ولی فقیه: بهترین مبادی تفکر یک امت

در منطق ارسطویی و فلسفه، فکر یعنی حرکت انسان به طرف مبادی و از مبادی به سوی مقصد و مطلوب. مبادی آن حالت روحانی و اشراقی یک ملت است که مثل هوا، عقل و قلب آن‌ها را در بر گرفته است. لذا داشتن مبادی، شرط فکر کردن است و عاملی است که فکر را جهت می‌دهد. بهترین تفکر، در بستر بهترین مبادی ظهور می‌کند و بهترین مبادی آن است که دارای جامعیت و رشددهنده همه ابعاد انسان و پاسخگوی همه نیازهای بشر باشد که مصداق کامل آن، اهل بیت(ع) هستند که با عرض این جمله در زیارت جامعه «آنچه را شما حق می‌دانید، ما نیز حق می‌دانیم و آنچه را باطل می‌دانید، ما نیز باطل می‌دانیم»(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۷۵)، امام معصوم(ع) را مبادی عقل نظری و عملی خود قرار می‌دهیم؛ لکن به همان دلیل که خداوند بر اساس حکمت خود، پیامبری را می‌پروراند تا قلب او محل پذیرش وحی الهی شود و از این طریق، نیاز مردم به پیامبر را پاسخ می‌دهد و امامان معصوم(ع) را پرورش می‌دهد تا نیاز مردم در فهم حقیقت قرآن و تبیین وحی، تضمین شود؛ به همان دلیل، سنت الهی است که در زمان غیبت امام زمان(عج) نیز فقیهی را پروراند که بر اساس وحی الهی و سیره و سخنان معصومین(ع) بتواند زعامت جامعه اسلامی را بر عهده گیرد و با سعه صدر، جامعه را بر اساس شریعت الهی هدایت کند، چنانکه/امام صادق(ع) می‌فرمایند: «در هر قرن انسان‌های عدولی هستند که این دین را حمل نموده و هرگونه تأویل اهل باطل و تحریف افراطیون و ادعاهای جاهلین را از آن دور می‌گردانند، همانطور که کوره آهن‌گران پلیدی و چرک آهن را پاک می‌کند»(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۹۳). بنابراین راهکار صحیح برای رسیدن به آرمان‌ها در زمان غیبت، رجوع به شخصیت علمی و عملی ولی فقیه است، فقیهی که در ذیل توجه به قرآن و عترت، بتواند مذکر به حقیقت توحید و نبوت و امامت، مبادی تفکر یک امت و عامل تفاهم و وحدت حقیقی باشد. چرا که اگر مبادی

تفکر یک جامعه درست باشد، افراد جامعه درست فکر می‌کنند و به همان اندازه تفاهم در جامعه ظاهر می‌گردد و تمدنی پایدار رخ می‌نمایاند. در روایت، این‌گونه فقها توصیف شده‌اند: «هر فقیه‌ای که مراقب نفس خود باشد، دین خود را حفظ کند، با هوای نفس خود مخالف باشد و مطیع امر مولای خود یعنی خدا و معصومین (ع) باشد؛ بر عموم مردم است که از چنین فقیه‌ای پیروی کنند و البته این شرایط تنها شامل برخی از فقهای شیعه می‌گردد؛ نه تمامشان» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۵۸) و مسلم است مصداق امروزی این نوع فقها، ولیّ معظم فقیه - امام خامنه‌ای - است که شخصیت علمی و عملی ایشان، بهترین مبادی تفکر و عامل یگانگی امت است (ر.ک: طاهرزاده، ۱۳۹۲، صص ۱۶۳-۲۵).

دستیابی به معرفت عمیق نسبت به مبانی انقلاب

تأکید رهبر معظم مبنی بر شناختن دستاوردهای انقلاب (تجارب و تعینات عملی و کلان انقلاب)، آنجا که فرمودند: من توصیه می‌کنم مسئولین نه با زبان مبالغه، نه فقط با گزارش‌های زبانی، بلکه به صورت عملی و هنری، گزارش‌های صحیح درباره انواع پیشرفت‌های کشور مطرح کنند تا هم افراد غافل متوجه شوند و هم مردم بفهمند که انقلاب چه به وجود آورده است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content? Id =38975>) و همچنین عنایت به این نکته که پاسداری غیر محافظه‌کارانه از انقلاب اسلامی، مستلزم شناخت هم‌زمان مبانی نظری و عملی آن (دست‌آورد شناسی انقلاب اسلامی) می‌باشد؛ ضرورت پرداختن به اندیشه‌های رهبران نظام را باز می‌نمایاند؛ زیرا دستیابی به معرفت عمیق نسبت به مبانی نظری و عملی این بنای عظیم، منحصراً منوط به رجوع به منویات و فهم اندیشه کلان امامین انقلاب اسلامی و ابتناء و استناد به آن است؛ چراکه امامین انقلاب در عمل، معمار انقلاب هستند و تدابیر و فرامین لازم الإطاعه آن‌ها، در حقیقت ترجمان وحی و عترت است که با ملاحظه مقتضیات زمان و مکان و رعایت مصالح عالی نظام اسلامی تنزیل یافته است. لذا بیانات رهبران انقلاب در درون خود یک منظومه فکری منسجم و متحد بوده و همگرایی و پیوند دلالتی، کلامی و گفتاری دارند و از هرگونه اعوجاج، تعارض و تناقض به دور هستند (پورجباری، ۱۳۹۷: ۶).

سازندگی فکری و عملی مخاطبان

خطوط ترسیم شده در اندیشه رهبر انقلاب، در عین حال که اصیل، مبنایی و مستند به منابع دینی هستند؛ با درک مفاهیم وحیانی و تطبیق آن بر مصادیق عصر کنونی، دارای یک نگاه نو و ناظر به مسائل روز و پاسخگوی نیازهای جامعه می‌باشد. اندیشه ایشان، ضمن اینکه یک اندیشه اجتماعی است که در مسیر حل مشکلات جامعه و ارائه راهبردهای کلان، انسجام خاصی دارد؛ یک سازندگی فکری و رفتاری نیز باعث می‌شود. به بیان دیگر، این منظومه فکری علاوه بر جنبه تئوریک و پشتوانه فلسفی، در بُعد رفتاری و نظام منشی و کنشی مخاطب هم تأثیرگذار است و در عین اینکه رویکرد اجتماعی دارد، نیازهای یک فرد مسلمان را نیز کاملاً پاسخ می‌دهد و می‌تواند راهکارهای تازه‌ای را نسبت به مسائل گذشته به خواننده خود ارائه دهد (ر.ک: ذوعلم، ۱۳۹۶: ۸).

کسب و افزایش معرفت، بصیرت و محبت نسبت به ولایت

شناخت نائب امام و یاری کردن او، از آن جهت که مقدمه و لازمه معرفت و یاری امام زمان (عج) است؛ اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه به بیان نورانی امیرالمؤمنین (ع): «ای کامل، هیچ حرکتی (اعم از فکری، اخلاقی، مادی و معنوی) نیست مگر اینکه در آن حرکت احتیاج داری از معرفت و شناخت کمک بگیری» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۲۶۷) و در این زمان، شناخت ولی معظم فقیه، راهکار و وظیفه مهمی است که می‌تواند موجبات نصرت ایشان را فراهم آورد؛ چراکه معرفت و شناخت حقیقی است که موجب ایجاد بصیرت شده، به نصرت ختم می‌گردد؛ همانگونه که /امام علی (ع) خطاب به دو تن از یاران خود فرمودند: «هیچ یک از شیعیان ما به بصیرت نمی‌رسند مگر اینکه با شناخت من به نورانیت برسند؛ پس هنگامی که مرا به این مقام شناختند، به طور تمام و کمال بصیرت یافته‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶: ۷). ولایتمداری از آن رو مبنای بصیرت است که ولی امر، نسبت به امور جامعه از همه بیدارتر و هوشیارتر است. لذا توجه به ولایت نه تنها بصیرت‌زا است، بلکه تداوم و قوام بصیرت به‌ویژه بصیرت سیاسی، بسته به تداوم ولایتمداری است، یعنی اگر ولایتمداری قطع شود، گمراهی و انحراف در کمین فرد نشسته است. در طول تاریخ اسلام، همین قطع رابطه با ولایت و مقابله با آن، بسیاری از

خواص تأثیرگذار و با سابقه را به بی‌بصیرتی کشانده است. نتیجه معرفت و بصیرت، محبت است و سپس، اطاعت و تبعیت حاصل می‌شود و با اطاعت از ولی فقیه و تلاش در جهت زمینه‌سازی ظهور است که لیاقت و شایستگی انسان برای یاری امام عصر(عج) ثابت می‌گردد. اگر به تعبیر قرآن، تجلی محبت خداوند در اطاعت از رسول اکرم(ص) است(ر.ک: آل عمران/۳۱)، تجلی محبت امام زمان(عج) نیز در اطاعت از ولی فقیه است و این است معنای ولایت‌مداری و یکی از راه‌های کسب این معرفت، تفکر در بیانات ایشان است که به فرموده امام علی(ع)، سخنان انسان معرفت شخصیت اوست: «تَكَلَّمُوا تُعَرَّفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ: سخن بگویند تا شناخته شوید؛ زیرا(شخصیت) انسان در زیر زبان او نهفته است»(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۳۴۰).

۲. بیان اهمیت استخراج مبانی و مستندات قرآنی و روایی بیانات امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

اصولاً دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب به دلیل بهره‌مندی از ریشه‌های قرآنی و روایی، استدلال‌های منطقی و مایه‌های فکری، دیدگاه صریح و قابل تأمل و پژوهش هستند نه به خاطر انتصاب به شخص ایشان؛ به همین جهت ایشان به عنوان یک اندیشمند اصیل و انقلابی که از دهه سی، اهل نظر و عمل و رشد روز افزون بوده است، راضی نیست که اندیشه‌اش با یک نوع نگاه تعصب‌آمیز و متحجرانه و حاکمیت محض بررسی شود- که اساساً هر نوع نگاه متعصبانه به اندیشه موجب فروکاهی آن است- و خواسته‌اند که اندیشه‌شان مورد تحقیق قرار گیرد(ذوعلم، ۱۳۹۶: ۹). از طرفی، ساختار فکری رهبر نظام اسلامی به دلیل شکل‌گیری منظومه‌وار در بستر قرآن و روایات، منبع غنی و کاملی برای تحقیقات کاربردی و کاوش‌های محققانه می‌باشد؛ زیرا تبلور یکی از قوی‌ترین اندیشه‌های دینی عصر اخیر است که علاوه بر اصالت، با شرایط پیچیده جهان حاضر و مقتضیات زمان و مکان نیز همپایی دارد. ایشان در فرمایشات خود، گاه به صراحت، آیه یا فرازهایی از آیات قرآن و نیز روایات و سیره اهل بیت(ع) را ذکر می‌کنند و گاه سخنانشان فاقد هرگونه استناد به قرآن و حدیث می‌باشد؛ لیکن از آنجا که کلام ایشان در همه موارد، ناظر بر آیات و روایات است؛ با اندکی تأمل می‌توان برای تمامی بیاناتشان،

به مبانی و مستندات قرآنی و روایی دست یافت. در این مجال، اهمیت این موضوع بررسی می‌گردد:

مستندسازی بیانات ولیّ جامعه راهی به سوی اثبات اصالت اندیشه ولایت

پایداری و قوام هر اندیشه، متناسب با میزان اصالت و استواری مبانی فکری آن است. اندیشه‌هایی که بدون پشتوانه عقلی و نقلی و مبانی دینی پدید می‌آیند، در مسیر تحول فکری بشر دستخوش تغییرات شده، به مرور زمان، رنگ باخته و به موزه تاریخ سپرده خواهند شد و یا برای دوام و بقای خود، وامدار سایر اندیشه‌ها می‌گردند. تلاش برای ماندگاری و دوام تأثیر یک اندیشه، منوط به واکاوی مؤلفه‌ها، چارچوب‌ها و مبانی آن است، زیرا اثبات اصالت یک اندیشه، قوام آن را مشخص و تأسی به آن را برای پیروان خود آسان می‌سازد. از طرفی، اجرای منویات و مطالبات رهبر انقلاب نیز مستلزم فهم صحیح اوامر و نواهی ایشان و درک مبانی و چارچوب‌های اندیشه‌ای آن است. اصالت اندیشه معظم له را می‌توان با رجوع به منابع دین و یافتن مستندات و مبانی قرآنی و روایی اندیشه‌ها در متون اسلامی نشان داد و ثابت کرد که کلام ایشان، در حقیقت بازخوانی اسلام ناب است که از قرآن و سنت و سیره معصومین(ع) به دست آمده است. اساساً مهم‌ترین دلیل استحکام فکری نظام اسلامی این است که بر اساس آموزه‌های دینی شکل گرفته و اندیشه‌های رهبران نظام، منبعث از قرآن و سیره عملی معصومین(ع) است؛ به گونه‌ای که توجه به کتاب و سنت به عنوان منبع اصلی تصمیم‌سازی اسلامی، یکی از عناصر ثابت الگوی رهبری امامین انقلاب شمرده می‌شود.

تلاشی در جهت گسترش ولایت‌پذیری امت

برای ولایت یک جامعه تلاش کردن، راهش این است که تلاش کنیم برای قدرت دادن به ولیّی که به فرمان خداوند، امام و رهبر و حاکم نظام اسلامی است(خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۵۶۸). بر این اساس، هر نوع تلاشی در جهت معرفی هرچه بیش‌تر شخصیت و اندیشه رهبر انقلاب، گامی ارزشمند در جهت تعمیق رابطه معنوی بین امام و امت و پشتیبانی از ولایت خواهد بود؛ زیرا رابطه‌ای دوسویه بین امام و امت برقرار است که از

سویی بر اعتقاد و ایمان دینی و از سوی دیگر بر عاطفه و محبت ابتناء دارد و با دانایی و معرفت و بصیرت به تعالی می‌رسد. تبیین اندیشه‌های ولیّ فقیه جامعه، موجب می‌شود مردم به شناخت دقیق‌تری از شخصیت الهی او رسیده، رابطه بین رهبر و مردم، عمیق‌تر و مستحکم‌تر گردد؛ به گونه‌ای که امت اسلامی به رهبر و پیشوای خود به چشم پدری رؤف و دلسوز- با قلبی سرشار از رحمت و عطف نسبت به مردم- بنگرند؛ به او عشق ورزیده و اطاعت او را گردن نهند و با کوچک‌ترین اشاره او، به حرکت درآیند. مستندسازی سخنان رهبر انقلاب، با نمایاندن پشتوانه عظیم دینی و مبانی متقن و محکم قرآنی و روایی اندیشه‌های ایشان؛ نقش بسزایی در دفاع مستدل و گسترش التزام عملی نسبت به رهنمودهای ایشان خواهد داشت و با افزایش اتحاد فکری و عملی امت با ولیّ جامعه، قدرتمند شدن ولیّ الهی را باعث می‌شود؛ چراکه «ولایت یعنی بهم پیوستگی و اتصال شدید انسان‌هایی که دارای فکر و عقیده واحد و جویای یک هدف واحدند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۵۵) و اگر امت اسلامی بخواهد زنده، موفق و پایدار بماند، باید ارتباط مستحکم و همیشگی فکری و عملی را با ولیّ جامعه حفظ کند.

لزوم تبیین زیبایی‌های کلام ولایت برای مردم

هر کسی که می‌خواهد مردم در قضیه ولایت فقیه، نقش عینی و عملی داشته باشند، باید بیندیشد و جاذبه‌ها- یعنی چیزهایی که مردم را به شوق می‌آورد- زیبایی‌ها، ظرافت‌ها و عمق کلام ولیّ را برای مردم بیان کند و کاری کند که مردم را از صمیم قلب به ایمان و تبعیت و اطاعت از ولیّ بکشاند؛ چراکه هرگاه حکومت الهی با جنبه مردمی توأم شده و با حضور مردم در صحنه، همان حضور الحاضر و وجود الناصر تحقق یابد، پیروزی و موفقیت در همه مراحل تا رسیدن به آرمان‌ها حاصل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۶۹) و مستندسازی بیانات رهبر معظم انقلاب، گامی کوچک در این مسیر می‌باشد؛ چراکه شناخت مبانی نظری بیانات، نوع نگاه و لطافت‌ها و ظرافت‌هایی که ایشان در استفاده از آموزه‌های دینی در کلامشان به کار می‌برند را نشان داده و موجب می‌شود امت به آن بیانات با یک نگاه خاص و تکلیف‌آور بنگرند.

لزوم درک انسجام مکتبی و فرهنگی

شهید سیدحسین علم الهدی، هماهنگی بین سخنان امام و آیات قرآن و روایات را نشانه وجود انسجام مکتبی حاکم بر فرهنگ اسلام می‌داند: «با مطالعه دقیق بیانات امام پی می‌بریم که همه پیام‌های امام برای مردم، با آیات قرآن و احادیث ائمه و سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه هماهنگی دارد. علاوه بر این، یک نوع رابطه خاص میان سخنان امام امت و آیات قرآن و روایات خواهیم یافت که یکدیگر را تفسیر می‌کنند و همدیگر را توضیح می‌دهند و بسیاری از آیات قرآن را از زبان امام با زبان ساده می‌شنویم. مهم‌ترین مسأله‌ای که امروز وجود دارد و باید در این رابطه فکر کنیم، انسجام مکتبی و فرهنگی است که بر فرهنگ اسلام حاکم است. ما انسجام مکتبمان را باید از ایجاد ارتباط میان سخنان امام و آیات قرآن و احادیث ائمه(ع) بیابیم و این خود مسأله‌ای بسیار عمیق در رابطه با کارهای تحقیقاتی و مسئولیت‌های مکتبی و فرهنگی است» (علم الهدی، ۱۳۶۱: ۱۰۸). لذا کشف رابطه بین بیانات رهبر انقلاب و آیات قرآن و روایات که یکی از مصادیق آن، استخراج مبانی قرآنی و روایی است، عامل مهمی در مسیر درک هماهنگی بین آموزه‌های دینی و فرهنگی می‌باشد.

فتح بابی در راستای تبیین خطوطی از اندیشه ولایت

امام خامنه‌ای(مد ظله)، هم فقیهی دین شناس و آگاه به زمانه و هم سرآمد در تحلیل و بررسی موضوعات و مسائل روز و حوادث جهان اسلام هستند. علاوه بر سه شاخصه دین شناسی، موضوع شناسی و زمان شناسی، گستره مطالعاتی ایشان در حوزه‌های گوناگون سبب شده که در تفسیر و استفاده از آیات و روایات به نکات ارزشمند و نوینی اشاره کنند؛ نکاتی که می‌توان ظرافت‌های فقه الحدیثی و تفسیری را در آن‌ها آشکارا مشاهده کرد. «با توجه به جایگاه مرجعیت و ولایت آیت الله خامنه‌ای، بیانات معظم له ناشی از شناخت و استنباط ایشان از قرآن کریم و سیره اهل بیت(ع) است و در نتیجه بیانات ایشان را در سلسله مراتبی نزدیک به روایت از دیدگاه علم الحدیث می‌توان در نظر گرفت» (فائدعلی، ۱۳۹۵: ۹۸) و از آنجا که مهم‌ترین مظاهر و نموده‌های مدیریتی و عملکردی رهبر انقلاب در بیانات و پیام‌های ایشان انعکاس یافته است، لذا بیانات

معظم له منبع غنی و ارزشمندی برای پژوهشگران خواهد بود و مطالعات حول اندیشه‌های ایشان، علاوه بر اهمیت علمی، رسالتی تاریخی است که بر عهده کارشناسان و محققان کشور قرار گرفته است. استخراج مبانی قرآنی و روایی بیانات نیز خدمت پژوهشی جهت گشودن باب تفهیم خطوطی از اندیشه ولایت است که با ارائه کارآمد بخشی از بانک اندیشه‌های ایشان، بستری جهت انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در سطوح مختلف را فراهم می‌نماید.

نتیجه بحث

از یافته‌های این پژوهش، نتایج زیر قابل اعتناست:

- ۱- یکی از دلایل مهم تعمق و تتبع در بیانات رهبر انقلاب، نقاط برجسته شخصیت و سبک زندگی ایشان است که از جمله بهره‌مندی از منظومه فکری با محوریت توحید و غایت ایجاد تمدن اسلامی؛ جامعیت و واجد شخصیتی ذوفنون و جامع الاطراف بودن و تحقق روحیه انقلابی‌گری در عمل می‌باشد.
- ۲- با مطالعه و دقت در ابعاد مختلف شخصیت و سبک زندگی رهبر انقلاب، دیگر نگاه به معظم له صرفاً یک نگاه سیاسی و فقهی نخواهد بود، بلکه با پذیرفتن ایشان به عنوان مرجع فکری جامعه در تمام مسائل، برای فهم اندیشه‌ها و عینی ساختن آن‌ها تلاش نموده، باور خواهیم کرد که او متفکری است که از نو باید او را شناخت.
- ۳- اندیشه‌های ولیّ فقیه، بهترین محور علمی و عملی برای ایجاد اتحاد در جامعه اسلامی می‌باشد؛ به گونه‌ای که تشکیل بزرگ‌ترین تشکل انقلابی برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی، تنها بر محور ولیّ جامعه امکانپذیر است.
۴. درک اولویت‌های مسائل نظام و شناخت وظایف و اقدام به موقع، با رجوع به بیانات ولیّ جامعه ممکن بوده و باعث می‌شود توان و انرژی جامعه، در جهت پرداختن به اولویت‌ها و اهمّ نیازهای جامعه مصروف گردد و علاوه بر آثار و برکات دنیوی، موجب دستیابی به حجیت در امور نزد خدای متعال خواهد شد.
- ۵- دلالت روایات مبنی بر اینکه ولیّ جامعه با تأییدات الهی در کار خود موفق و مؤید است و فرامین وی برای امت لازم‌الایّت می‌باشد، ضرورت رجوع به اندیشه‌های ولایت را بازمی‌نمایاند.

۶- فهم اندیشه‌های رهبر انقلاب و تبدیل آن‌ها به گفتمان عمومی در جامعه، سبب اتحاد قلبی، فکری و عملی میان امام و امت، ارتقای سطح پای‌بندی مردم به ولایت و در نتیجه ایجاد جامعه ولایتمدار گشته، تقویت روحیه انقلابی و حرکت در مسیر ولایت و حفظ انقلاب نظام اسلامی را موجب می‌گردد.

۷- جهت ایفای نقش در پیشبرد جریان تاریخی انقلاب اسلامی؛ نباید نسبت به اندیشه‌های کسی که در این مقطع زمانی هدایت کلان جامعه را بر دوش می‌کشد، غافل و بی تفاوت بود؛ بلکه باید از طریق توجه به بیانات و مطالباتش، با نظام فکری توحیدمحور او آشنا شد.

۸- اندیشه‌های ولی فقیه، بهترین مبادی تفکر یک امت و در نتیجه، تفکر صحیح و ظهور تفاهم در جامعه و عامل یگانگی امت است و دستیابی به معرفت عمیق نسبت به مبانی نظری و عملی انقلاب اسلامی منحصراً منوط به رجوع به بیانات رهبر انقلاب و فهم آن‌ها می‌باشد.

۹- نباید نوع نگاه به مطالعه بیانات و شناخت اندیشه‌های رهبر انقلاب، صرفاً افزودن بر میزان معارف و دانسته‌ها نباشد؛ زیرا صرف آگاهی کفایت نمی‌کند؛ بلکه باید به وسیله آگاهی، به کنش و رفتار منتقل شد که اگر ایمانی به رفتار منجر نشود، آن ایمان مورد نظر اسلام نیست. آری، باید معرفت به رفتار و عمل تبدیل شود تا آثار و برکات خود را ظاهر کند و هدف از توجه به بیانات نیز این است که اقشار مختلف جامعه، وظایف خود را نسبت به وضعیت کنونی و آینده کشور و انقلاب بشناسند و با انجام به موقع آن، نقش خود را در تحقق اهداف انقلاب و رسیدن به تمدن اسلامی به نحو احسن ایفا نمایند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (للصباحی صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین. ۱۴۱۴ق، چاپ اول، قم: هجرت.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آیت الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲جلد، چاپ اول، تهران: نشر جهان.
- امام خمینی، روح الله. ۱۳۷۹ش، ولایت فقیه، چاپ دهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح الله. ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، ۲۲جلد، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی(ره).
- پورجباری، پژمان. ۱۳۹۷ش، دستاوردشناسی چهل سال انقلاب اسلامی: مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین.
- ثقفی، علی. ۱۳۹۲ش، امام پایداری، چاپ اول، قم: بنیاد فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ش، ولایت فقیه: ولایت، فقاقت و عدالت، چاپ شانزدهم، قم: نشر اسراء.
- حرانی، حسن بن علی. ۱۴۰۴ق، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- حیدری کاشانی، محمدباقر. ۱۳۹۰ش، سلوک مهدوی، چاپ سوم، قم: سبط النبی.
- خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۴ش، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ ششم، تهران: انتشارات صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۱ش، ولایت و حکومت، چاپ سوم، تهران: انتشارات صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۳ش، پرسش و پاسخ: پاسخ به پرسش‌های دانشجویان، تدوین: علیرضا مختارپور قهرودی، تهران: انقلاب اسلامی.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- طاهرزاده، اصغر. ۱۳۹۲ش، سلوک ذیل شخصیت امام خمینی، چاپ دوم، اصفهان: لب المیزان.
- طبرسی، احمد بن علی. ۱۴۰۳ق، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ۲جلد، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۱ق، الغیبة، کتاب الغیبة للحجة، چاپ اول، قم: دار المعارف الإسلامی.
- علم الهدی، سیدحسین. ۱۳۶۱ش، جهاد در قرآن، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید.

غفاری، مصطفی. ۱۳۹۵ش، از نیمه خرداد، چاپ اول، تهران: مؤسسه انقلاب اسلامی.
فیض کاشانی، محمدحسن. ۱۴۰۶ق، الوافی، ۲۶جلد، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
قزائی، محسن. ۱۳۹۱ش، اخلاق آموزش، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، الکافی، ۸جلد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه. ۱۳۹۷ش، رهبر قرآنی، چاپ اول، تهران:
مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید.
مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۰ش، روشنای علم، چاپ اول، تهران: انقلاب اسلامی.

مقالات

پیغامی، عادل و علیرضا سجادیه. ۱۳۹۳ش، «الزامات و خط مشی‌های کلان علمی عرصه عدالت پژوهی در اندیشه مقام معظم رهبری»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره پیاپی ۱۶، صص ۳۴-۵.
خاک رنگین، علی. ۱۳۹۶ش، «یادداشت: لزوم توجه به رویکرد تمدنی»، ویژه نامه روزنامه صبح نو، شماره ۳۳۷.
خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۶ش، «افق حوزه»، هفته نامه حوزه علمیه، قم، سال شانزدهم، ش ۵۲۹.
ذوعلم، علی. ۱۳۹۶ش، «گفت‌وگو: نقطه آغاز برشناخت منظومه فکری رهبران جمهوری اسلامی»، ویژه نامه روزنامه صبح نو، ش ۳۳۷.
رشاد، علی اکبر. ۱۳۹۶ش، «گفتار: قدردانی از یک فرصت تاریخی»، ویژه نامه روزنامه صبح نو، ش ۳۳۷.
سالاری، محمد مهدی. ۱۳۹۶ش، «یادداشت: گام اول؛ شخصیت شناسی»، ویژه نامه روزنامه صبح نو، ش ۳۳۷.
سیاهپوش، امیر. ۱۳۹۶ش، «یادداشت: نظام فکری منضبط و منسجم»، ویژه نامه روزنامه صبح نو، ش ۳۳۷.
غرسبان روزبهانی، مرتضی. ۱۳۹۶ش، «انقلابی‌گری از دیدگاه اسلام ۲، راهکارهای انقلابی ماندن»، مبلغان، شماره ۲۱۶، صص ۴۷-۵۶.
قائدعلی، حمیدرضا. ۱۳۹۵ش، «استقرای روایتی راهیان نور از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله)»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ش ۸۳، صص ۱۱۷-۹۵.

قنبری، سمیه و محمدتقی آذرشب و سیدمحمدرضا موسوی. ۱۳۹۵ش، «استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش ۴، صص ۲۱۲-۱۹۳.

کریمی، مه‌ران. ۱۳۹۶ش، «یادداشت: درک یک اضطرار»، ویژه نامه روزنامه صبح نو، ش ۳۳۷.

سایت‌های اینترنتی

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24552>

Bibliography

The Holy Quran.

Nahj al-Balaghah (for Sabhi Saleh), Sharif al-Radhi, Muhammad ibn Husayn. 1414 AH, first edition, Qom: Hijrat.

Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid Ibn Hiba Allah. 1404 AH, Sharh Nahj al-Balaghah, Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi.

Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali 1378 AH, Ayoun Akhbar al-Reza PBUH, 2 volumes, first edition, Tehran: Jahan Publishing.

Imam Khomeini, Ruhollah. 2000, Velayat-e-Faqih, 10th edition, Tehran: Imam Khomeini Publishing House.

Imam Khomeini, Ruhollah. 2010, Sahifa Imam, 22 volumes, fifth edition, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute.

Pourjabari, Pejman. 1397, Achievement of the Forty Years of the Islamic Revolution: Based on the Thought of the Imams of the Islamic Revolution, Tehran: Cultural and Social Deputy of the Basij Organization of the Oppressed.

Saghafi, Ali 1392, Imam Paydari, first edition, Qom: Islamic Culture and Thought Foundation.

Javadi Amoli, Abdullah 2014, Velayat-e-Faqih: Velayat-e-Faqih and Justice, 16th edition, Qom: Nashr-e-Isra '.

Harani, Hassan bin Ali 1404 AH, The Gift of Minds, Second Edition, Qom: Society of Teachers.

Heidari Kashani, Mohammad Baqir. 1390, Mahdavi conduct, third edition, Qom: The lineage of the Prophet.

Khamenei, Seyed Ali 1394, outline of Islamic thought in the Quran, sixth edition, Tehran: Sehba Publications.

Khamenei, Seyed Ali. 2012, Province and Government, Third Edition, Tehran: Sehba Publications.

Khamenei, Seyed Ali. 2014, Questions and Answers: Answers to students' questions, Editor: Alireza Mokhtarpour Ghahroudy, Tehran: Islamic Revolution.

Sheikh Har Ameli, Muhammad bin Hassan. 1409 AH, Shiite means, first edition, Qom: Al-Bayt Foundation (AS).

Taherzadeh, Asghar. 1392, the following behavior of Imam Khomeini, the second edition, Isfahan: Lab Al-Mizan.

- Tabarsi, Ahmad Ibn Ali 1403 AH, Al-Ihtijaj Ali Ahl al-Lajaj, 2 volumes, first edition, Mashhad: Morteza Publishing.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan 1411 AH, the unseen, the book of the unseen for the pilgrimage, first edition, Qom: Dar al-Ma'arif al-Islami.
- Alam al-Huda, Seyed Hussein 1982, Jihad in the Quran, Tehran: Cultural Unit of the Martyr Foundation.
- Ghaffari, Mustafa 2016, from mid-June, first edition, Tehran: Islamic Revolution Institute.
- Faiz Kashani, Mohammad Hassan 1406 AH, Al-Wafi, 26 volumes, first edition, Isfahan: Library of Imam Amir al-Mo'menin.
- Qaraati, Mohsen 2012, Ethics of Education, First Edition, Tehran: Cultural Center of Quranic Lessons.
- Klini, Muhammad ibn Ya'qub 1407 AH, Al-Kafi, 8 volumes, fourth edition, Tehran: Islamic Books House.
- Majlisi, Mohammad Baqir 1403 AH, Sea of Lights, second edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Cultural and Social Deputy of the Endowment and Charity Organization. 1397 AH, Quranic Leader, First Edition, Tehran: Cultural and Educational Complex of the Cultural and Social Deputy of the Endowment and Charity Organization.
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad. 1413 AH, Al-Amali, Qom: Sheikh Mufid Congress.
- Hadith Cultural Institute of Tablet and Pen, 2011, Roshanai Alam, first edition, Tehran: Islamic Revolution.

Articles

- Peyghami, Adel and Alireza Sajjadih. 2014, "Requirements and macro-scientific policies in the field of justice research in the thought of the Supreme Leader", the idea of strategic management, serial number 16, pp. 34-5.
- Colorful soil, Ali. 1396, "Note: the need to pay attention to the approach of civilization", special issue of Sobh-e No newspaper, No. 337.
- Khosropanah, Abdul Hussein 1396, "Horizon of the Seminary", Seminary Weekly, Qom, 16th year, 529.
- "Dialogue: The starting point for recognizing the intellectual system of the leaders of the Islamic Republic", special issue of Sobh-e-Naw newspaper, p.
- Rashad, Ali Akbar. 1396, "Speech: Appreciation of a Historical Opportunity", Special Issue of Sobh-e No newspaper, 337
- Salari, Mohammad Mehdi 1396, "Note: The first step; Personality ", special issue of Sobh-e No newspaper, 337.
- Siahpoosh, Amir. 1396, "Note: Disciplined and coherent intellectual system", special issue of Sobh-e No newspaper, 337.
- Gharsban Roozbehani, Morteza. 1396, "Revolutionism from the perspective of Islam 2, ways to stay revolutionary", Preachers, No. 216, pp. 56-47.
- Qaed Ali, Hamid Reza 2016, "Narrative induction of the Path of Light from the perspective of Ayatollah Khamenei (Modzaleh)", Quarterly Journal of Defense Management and Research, Vol. 83, pp. 117-95.
- Ghanbari, Somayeh and Mohammad Taghi Azarshab and Seyed Mohammad Reza Mousavi. 2016, "The Internal Strength of the National Power of the Islamic Republic of Iran in the Thought of the Supreme Leader", Political Research of the Islamic World, Vol. 4, pp. 212-193.

اندیشه‌های مقام معظم رهبری؛ نقشه راه تحقق تمدن نوین اسلامی/۶۳۹

Karimi, Mehran 1396, "Note: Understanding an Emergency", Special Issue of Sobh-e No newspaper, 337.

Websites:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24552>

Thoughts of Supreme Leader; Roadmap for Realization of Modern Islamic Civilization

Tayyebeh Barkhordari

Post Graduate, Quranic Sciences & Hadith, Islamic Azad University, Kerman Branch

Yasser Salari

Assistant Professor, Theology, Islamic Azad University, Kerman Branch

Abstract

Basically, the purpose of recognizing the thoughts of Imam Khamenei is the creation of an intellectual system in line with the ideas of the guardian of society in the formation of Islamic civilization. In the present article, which has been compiled by the library of information and written in a descriptive – analytical method, the discussion of the necessity of addressing the thoughts of the Supreme leader is explained in two aspects: why attention to statements and the importance of extracting Quranic principles and their narration. The results of the research findings confirm that addressing his statements, both in terms of his unique personality traits, lifestyle and practical life can show the roadmap to achieve the great ideal of the revolution, namely the creation of a new Islamic civilization and readiness for the sunrise of the great leadership. Also, citing Quranic principles and narration of speeches, by showing their great revelatory support, will play an important role in proving the originality of thought, its permanence and influence, deepening the spiritual relationship between the Imam and the nation and expanding the audience's practical commitments.

Keywords: Imam Khamenei, Quran's principles, narrative principles, Islamic government.